

ارزیابی از اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر

چرا اعتصاب؟

طبقه کارگر از بدو پیدایش به عنوان یک طبقه، تا کنون به اشکال گوناگون در مقابل زورگویی، استثمار، بیکاری، اخراج سازی ها، سطح نازل دستمزد ها، شدت کار، و در کل در مقابل تمامی بی حقوقی ها به انحاء مختلف، و با توجه به ظرفیت های مبارزاتی و آگاهی و شناخت جایگاه طبقاتی، همیشه طبقه ای معترض به شرایط بوده و در دوران های خاصی هم توانسته است با قیام طبقاتی، در صدد دست یابی به حاکمیت کارگری باشد که در این رابطه کمون پاریس و انقلاب اکتبر را می تواند نام برد.

طبقه کارگر با شناخت و رجوع به آموزهای گذشته مبارزاتی هم طبقه ای های خود، امروز بیش از هر زمان دیگری، دارای تجارب ارزنده ای می باشد، هر چند باید اذعان داشت که بخش وسیعی از تجارب کارگری متاسفانه مکتوب نشده اند، اما با توجه به این مقدار، کارگران باید بتوانند از تجارب مبارزاتی تاکنونی به نحو شایسته ای استفاده کنند و نقاط ضعف و نقاط مثبت هر مبارزه ای را بررسی و تجزیه و تحلیل نمایند.

امروز هر کارگر آگاه و پیشروی می داند که مبارزه یک امر جمعی است و مبارزه انفرادی هیچ جایگاهی برای دست یابی به مطالبات کارگری نمی تواند داشته باشد. اعتصاب یکی از ابزار های مهم مبارزاتی طبقه کارگر بوده که به شکل کاربردی می تواند قدرت طبقاتی کارگران را دو چندان کند و با اعتصاب می توانند در راستای تحقق خواست و مطالبات خود گام بردارند.

طبقه کارگر در روند مبارزه دریافته است که متوقف کردن چرخ های تولید می تواند پاشنه آشیل سرمایه داران باشد. این تجربه عملی، نهایتاً با در آمیختن با مباحث نظری از سوی اندیشمندان و روشنفکران طبقه کارگر، این اصل ثابت شده را مهر تائیدی زد که اعتصاب مستقیماً باعث کاهش سود خواهد شد، و با توجه به این امر که هدف کارخانه داران و در کل نظام سرمایه داری کسب سود می باشد، این شیوه مبارزاتی می تواند بهترین شکل اعتراضی

برای کارگران باشد. بر بستر این واقعیت است که اعتصاب می تواند گام به گام به ابزار قدرتمند طبقاتی کارگران تبدیل شود و در واقع اهمیت اعتصاب در این امر نهفته است. در اعتصاب است که کارگران به خود باوری و قدرت خود پی می برند و باور طبقاتی آنان منجر به کسب آگاهی و شناخت خواهد شد و با این شناخت است که کارگران می توانند به خود رهایی خود ، اقدام کنند .

اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر؛

اولین اعتراض کارگران در صنایع پتروشیمی در ارتباط با برچیده شدن شرکت های پیمانکاری در اسفند 1389 در تبریز شروع شد. در ادامه همین خواست کارگران پتروشیمی بندر امام منطقه ویژه (ایران - ژاپن) در فروردین ماه به این اعتصاب پیوستن که با توافقات حاصله نماینده کارگران با کارفرما ، به این مرحله از اعتصاب پایان داده شد.

کارگران پتروشیمی ماهشهر بر اساس عدم تحقق خواست ها و مطالبات پیشنهادی ، مجددا در مهر ماه 1390 دست به اعتصاب زدند. گزارشها از حیث مطالبات در سایت های اینترنتی منتشر شده است . من در اینجا به نکات ناگفته ی این اعتصاب خواهم پرداخت.

آیا صنایع پتروشیمی ماهشهر، صنایعی سود آور است یا به دلیل ورشکستگی، جزو مراکز بحران زده می باشد ؟

اگر تمامی کارگران قرار دادی و رسمی در این اعتصاب حضور داشته اند (6500 نفر) چرا با وعده های سرخرمن این اعتصاب برای یک دوره دیگر پایان پذیرفت ؟

آیا وقعا روند تولید متوقف شده بود ؟

آیا منابع خبری صرفا ژورنالیستی می تواند برای مبارزه جنبش کارگری مفید باشد؟

آیا ضرورت انعکاس اخبار کارگری توسط کارگران در حین اعتراض و اعتصاب ضرورت دارد؟

در اینجا بصورت کلی مباحث خود را در این ارتباط مطرح می‌کنم

اعتصاب در عادی ترین شکل خود در صنایعی می‌تواند تاثیرات بیشتری را داشته باشد که کارخانه مورد نظر هنوز در مرحله سود دهی باشد و مراکزی که از نظر نوع محصول و تولیدات در شریان های اقتصادی یک کشور جایگاه خاص خود را داشته باشند از اهمیت بیشتری برخوردار خواهند بود. همانطور که مشخص است صنایع پتروشیمی به دلیل وابستگی شدید و اولیه به مواد نفتی جزو مراکز کلیدی محسوب می‌شوند. صنایع پتروشیمی تولید کننده 80 درصد مواد اولیه دیگر صنایع تولیدی در ایران می‌باشند و به این اعتبار صنایع پتروشیمی جز صنایع مادر هستند و بر کسی پوشیده نیست که صنایعی با چنین ویژگی ای از اهمیت خاصی برخوردار بوده و هرگونه اعتراض دستجمعی میتواند نه تنها در روند آن صنایع، تاثیر گذار باشد بلکه بر دیگر صنایع وابسته تاثرات خاصی ایجاد کند. بر اساس گزارش تحلیلی "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجادتتشکل های کارگری" به درستی میتوان در یافت که متاسفانه اخبارهای منتشر شده تمامی واقعیت را منعکس نکرده است و بیشتر بزرگنمایی در آن نمایان است تا واقعیت های موجود یک اعتصاب. براساس گزارش تحلیلی کمیته "هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" از مجموع 6500 نفر کارگر مشغول به کار در پتروشیمی تنها 4300 نفر قرار دادی و تحت پوشش شرکت های پیمانکاری می‌باشند و 300 نفر از این کارگران زن می‌باشند و از کل 4300 نفر، 300 تا 430 نفر در این اعتصاب حضور داشته اند و متاسفانه کارگران زن هیچ حضوری در اعتصاب نداشته اند. بر اساس همین گزارش به نقل از یکی از مهندسان شاغل در یکی از واحدها، سود خالص ماهانه رقمی 200 میلیون تومانی را ذکر کرده است. این شرایط موجود اعتصاب کارگران پتروشیمی بود که باید از این زاویه ارزیابی شود.

واقعیت این است که صنایع پتروشیمی ماهشهر یکی از سود آورترین مراکز تولیدی در ایران است که در حین اعتصاب هیچ اختلالی در روند تولید آن ایجاد نشده است و به این دلیل است که نمایندگان دست سوم با کوچکترین وعده های توخالی می‌توانند برای مدتی دوباره روند اعتصاب را متوقف کنند و از ادامه اعتصاب جلوگیری کنند. برخلاف اخبار منتشر شده هیچ

همکاری عملی بین کارگران رسمی با قراردادی انجام نگرفته و حتی خود کارگران تحت پوشش شرکت های پیمانکاری که 4300 نفر می باشند در این اعتراض حضور نداشته اند. با وجود اینکه تعدادی از کارگران آگاه روزانه دست به تجمع میزدند اما از حمایت دیگر کارگران در آن مرکز برخوردار نبودند. و مسئله مهم اینکه کارگرانی که در اعتصاب حضور نداشتند با تحمل فشار بیشتر کار کارگران اعتصابی را در خط تولید انجام داده اند. این عدم همکاری باعث تضعیف یک اعتراض خواهد شد. متأسفانه نه تنها کارگران در شکل وسیع در کنار کارگران اعتصابی حضور نداشته اند بلکه با تقبل کار کارگران اعتصابی، از توقف و یا روند سیر نزولی تولید ممانعت به عمل آورده اند. به بیان دیگر اعتصاب کارگران ماهشهر چرخ های تولید را متوقف نکرده و این نقطه ضعف اساسی اعتصاب بوده که همراهی تعداد بیشتری از کارگران هم سرنوشت را با خود نداشته و این عدم همکاری تأثیرات منفی در روند اعتصاب به جای گذاشته است و باعث شده که کارفرما بتواند با قدرت بیشتری در مقابل این اعتصاب قد علم کند.

تذکر این نکته ضروری می باشد باتوجه به عدم تشکل یابی کارگران، پراکندگی جنبش طبقه کارگر، عدم حمایت های عملی کارگران دیگر واحد ها، اخراج سازی ها، فشار پلیسی و ... خود از عوامل تشدید کننده این ضعف ها می باشند که قدرت و چانه زنی را از کارگر در کسب مطالبات کاهش می دهند. اما در این مورد مشخص اگر همبستگی و اتحاد حداکثری در این اعتصاب وجود می داشت، قطعاً دستاورد کارگران به گونه دیگری رقم می خورد و توانمندی آنها را در ادامه مبارزه بیشتر می کرد.

نکته دیگر مسئله خبر رسانی می باشد، خبر رسانی از روند یک اعتصاب و اعتراض کارگری دارای ویژگی خاصی است. باید خود کارگران با ایجاد شبکه خبر رسانی دقیقاً بتوانند روند و واقعیات موجود را منتشر کنند. شاید امروز به هر دلیلی این امکان کم رنگ باشد، اما یکی از وظائف کارگران و بخصوص کمیته اعتصاب می تواند گزارش دهی منظم از اعتصاب باشد. درج اخبار ناموثق جنبش را به بیراهه خواهد کشاند.

اگر واقعیات یک اعتراض ، اعتصاب ، تحصن و دیگر اشکال مبارزه کارگران به درستی بیان نشود نتیجه گیری و تحلیل برای پیشروی به اشتباه خواهد رفت و به جای بررسی نقاط ضعف و تلاش برای رفع آن دچار سردرگمی خواهیم شد. و از سوی دیگر به دلیل غیر واقعی بودن اخبار، یاس و ناامیدی برای دیگر کارگران در پی خواهد داشت.

شاید سوال شود چگونه؟ به این دلیل که کارگران دیگر واحدهای تولیدی، در دنبال کردن اخبار، بطور مشخص اعتصاب کارگران پتروشیمی ماهشهر شنیده اند که ، کارگران ماهشهر در یک واحد کلیدی و با نیروی 6500 نفری نتوانستند به خواست های خود دست یابند، به این نتیجه ناخواسته خواهند رسید که کارگران در واحدهای کوچکتر و با نیروی کمتر، در صورت اعتراض و اعتصاب به هیچ نتیجه ای نخواهند رسید، چرا که کارگران ماهشهر با قدرت 6500 نفری ، فعلا به خواست های خود نرسیده اند! و این بزرگترین ضربه روحی را به کارگران وارد می کند ، تا جایی که یاس و ناامیدی را دامن می زند و کارگران برای مبارزه ، خود را ناتوان و مستاصل می بینند و در نتیجه گام های مبارزاتی را با شک و تردید می نگرند. در اینجا ثابت می شود نه تنها غوغا سالاری هیچ نفعی برای جنبش کارگری در بر نخواهد داشت ، بلکه تاثیرات مخرب و ویرانگری را بر جنبش خواهد گذاشت. تاثیراتی که شناخت و درک طبقاتی به نیروی سترگ کارگران را کم رنگ می کند و به جای مبارزه بی امان، ناخودآگاه به فکر ناجی خواهند افتاد، تا شاید یک نیروی مافوق بتواند آنها را از فقر و فلاکت و استثمار رهایی یابد.

از دیگر سو اخبار غیر واقعی از روند مبارزات کارگری برای دلسوزان ، فعالین کارگری و پیشروان طبقه کارگر، که به هر دلیلی نمی توانند ارتباط تنگاتنگی با کارگران اعتصابی داشته باشند ، بر خلاف خواست خود، دچار بزرگ نمایی ، حاشیه پردازی و نهایتاً در تحلیل جنبش کارگری دچار سردرگمی خواهند شد.

عدم شناخت و درک ناقص از روند مبارزه برای هیچ کارگر و فعال کارگری خوش آیند نیست . طبقه کارگر در پروسه مبارزه با افت و خیزهای مبارزاتی به فعالیت خود ادامه می دهد ، اما

برای پیشروی جنبش کارگری شناخت همه جانبه از روند مبارزات جاری ، برای نقشه مند کردن و هدفمند کردن اعتراضات کارگری واجب و ضروری است.

باید واقعیات موجود جنبش کارگری را دید . در ابهام و سردرگمی ، و باری به هر جهت ، قطب نمای مبارزاتی در تعیین مسیر به خطا خواهد رفت و در کل با هر شعار و راهنمایی این درک به راست خواهد چرخید و برای جنبش کارگری یاس و ناامیدی را به ارمغان خواهد آورد .

کارگران ؛

اعتصاب ماهشهریک بار دیگر نشان داد که طبقه کارگر می تواند برای احقاق مطالبات خود مبارزه کند. کارگران ماهشهر نشان دادند که باید در برابر نظام سرمایه داری ایستاد و باید تغییرات بینادی را ایجاد کرد.

این موج عظیم طبقاتی با حضور کارگران زن و مرد، رسمی و قراردادی و هر کارگری که معترض به فقر و تنگدستی ، معترض به نابرابری و استثمار است حاصل خواهد شد. بی شک حضور طبقاتی کارگران در ماهشهر برای هر کارگری باید هم نشانه افتخار باشد و هم نشان غرور طبقاتی، چرا که کارگران معترض با یک شعار سراسری ، یعنی لغو شرکت های پیمانکاری و قرار دادهای موقت به میدان آمدند.

باید خود را برای نبردی دیگر آماده کنیم . باید اینبار حداکثر کارگران به میدان بیایند و چرخ های تولید را از حرکت باز دارند. باید این بار کاری کرد که مسئولین برای مذاکره با کارگران تقاضای وقت کنند، باید کاری کرد که خبر اعتصاب به سر تیتر اخبار روزنامه ها و رسانه ها تبدیل شود، باید به وعده های سر خرمن پایان داد ؛ این میسر خواهد شد ، اگر نیروی حداکثری کارگران در اعتصاب حضور یابند، اگر کارگران در واحد های دیگر از خواست کارگران که یک خواست فراکارخانه ای است حمایت کنند.

همه چیز در نیروی همبستگی ما کارگران نهفته است. مبارزه امری روزانه است و با این
افت و خیزها طبقه کارگر پخته تر و آگاهتر خواهد شد. مبارزه کارگران پتروشیمی ماهشهر
می تواند مسیر جنبش کارگری را تغییر دهد .

زندباد همبستگی طبقاتی کارگران

بهزاد سهرابی

20 مهر ماه 1390